

بسم الله الرحمن الرحيم

## «پروژه‌های آزادی» و چرخش سیاست‌های امریکا در برابر ایران

(ترجمه)

دیده می‌شود که دولت امریکا هرگاه در یک روش ناکام شود، یا نتواند به هدف مورد نظرش برسد و یا احساس کند زبان‌های آن بیشتر از سودش است، خیلی زود آن شیوه را تغییر داده و روش دیگری را در پیش می‌گیرد.

زمانی که امریکا نتوانست نظام ایران را سرنگون کند و یا آن را با کشتن چهره‌های رده‌اول و دوم رهبری، به حکومتی وابسته و تابع خود تبدیل سازد، با آن که چهل روز به تجاوز و فشارهایش ادامه داد، سرانجام اعلام کرد که حملات را برای دو هفته متوقف می‌سازد و سپس این توقف را تا زمان نامعلومی تمدید کرد. بعد از آن، به‌سوی مذاکره و امضای توافق با ایران رفت؛ در حالی که ترامپ مدعی بود که توانسته نظام این کشور را تغییر دهد.

همچنین زمانی که دید در موضع رهبران نظام ایران تغییر چشمگیری به‌وجود نیامده است، به‌سوی محاصره بندرهای ایران روی آورد. اما این اقدام نیز نتوانست ایران را وادار به تسلیم کند؛ به‌ویژه آن که ایران کنترل تنگه هرمز را در دست گرفت. در نتیجه، صدها کشتی بزرگ و غول‌پیکر در خلیج گیر ماندند.

او در آغاز تجاوز، از هیچ‌کسی درخواست کمک نکرد؛ زیرا غرور و تکبرش به او چنین القا می‌کرد که می‌تواند زمین را زیر و رو کند و آسمان را به آتش بکشد. اما خیلی زود دریافت که در برابر سرزمینی قرار دارد که حتی یک‌دهم سلاح‌های او را هم در اختیار ندارد، با این حال امریکا توان مقابله با این سرزمین را ندارد. از همین‌رو برای به‌دست گرفتن کنترل تنگه، پیام‌های استمداد و درخواست کمک فرستاد؛ اما هم‌پیمانان غربی‌اش به یاری او پاسخ ندادند.

پس به شیوه دیگری روی آورد و در تاریخ ۲۰۲۶/۵/۴ از آغاز عملیاتی به نام «پروژه آزادی» خبر داد؛ عملیاتی که به گفته او با هدف کمک به کشتی‌های کشورهای به‌اصطلاح بی‌طرفی انجام می‌شد. در این عملیات می‌خواست کشتی‌هایی که در تنگه هرمز گیر مانده بودند و هیچ ارتباطی با بحران خاورمیانه نداشتند کمک کند تا بتوانند از این گذرگاه عبور کنند.

اما هنگامی که این طرح نیز موفق نشد، آن را متوقف کرد. چنان‌که صبح روز ۲۰۲۶/۵/۶ اعلام کرد که عملیاتش را به حالت تعلیق درمی‌آورد و گفت: «براساس درخواست پاکستان و شماری از کشورهای دیگر، و با توجه به موفقیت‌های بزرگ نظامی‌ای که در عملیات علیه ایران به‌دست آورده‌ایم، و نیز به دلیل پیشرفت قابل توجه در مسیر دستیابی به یک توافق کامل و نهایی با نمایندگان ایران، به‌گونه متقابل تصمیم گرفتیم پروژه آزادی را برای مدت کوتاهی به حالت تعلیق درآوریم؛ با این حال، محاصره همچنان به‌طور کامل ادامه خواهد داشت تا روشن شود آیا امکان رسیدن به توافق نهایی با ایران وجود دارد یا نه.»

او همچنین شام همان روز ادعا کرد: «در ۲۴ ساعت گذشته گفت‌وگوهای بسیار خوبی درباره ایران انجام داده‌ایم و احتمال رسیدن به توافق بسیار زیاد است. ایران نیز پذیرفته که از دستیابی به سلاح هسته‌ای صرف‌نظر کند.»

زمانی که هیچ‌یک از ادعاهایش به نتیجه نرسید و ایران نیز به پیشنهاد ۹ بندی او واکنشی نشان نداد، بلکه در مقابل، طرحی ۱۴ بندی ارائه کرد، بنابراین او نیز به درگیری‌های دریایی با ایران روی آورد. با این حال تلاش کرد این اقدام را «بازگشت به جنگ» جلوه نهد تا چنین برداشت نشود که دوباره جنگ را آغاز کرده است؛ زیرا در آن صورت اگر این اقدام به‌عنوان ازسرگیری جنگ تلقی می‌شد و باز هم به نتیجه نمی‌رسید، شکست دیگری برای او رقم می‌خورد و از سوی دیگر، ناچار می‌شد برای اعلان جنگ از کنگره نیز مجوز بگیرد. به نظر می‌رسد او می‌خواهد از همین شیوه استفاده کند؛ ضربه بزند و سپس متوقف شود.

وزیر خارجه امریکا، رویو در تاریخ ۲۰۲۶/۵/۵ اعلام کرد که «امریکا عملیات تهاجمی خود علیه ایران را پایان داده و اکنون وارد مرحله دفاعی شده است؛ عملیات "خشم حماسی" پایان یافته و رئیس‌جمهور ترامپ نیز کنگره را در جریان قرار داده است. ما این مرحله را به پایان رساندیم و "پروژه آزادی" را آغاز کردیم.»

او همچنین گفت: «ملوانان در خلیج فارس در وضعیت انزوا قرار دارند، با گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در معرض خطر هستند؛ در نتیجه دست‌کم ۱۰ ملوان جان خود را از دست داده‌اند، در حالی که همگی غیرنظامی هستند.»

رویو در ادامه از ایران خواست به میز مذاکره بازگردد و شرایط امریکا را بپذیرد. او همچنین اشاره کرد که فرستادگان امریکا، ویتکاف و کوشنر، همچنان در تلاش برای رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک هستند و تأکید کرد که «هر توافقی باید شامل رسیدگی به هرگونه مواد هسته‌ای باقی‌مانده در ایران باشد؛ حتی اگر در مکانی عمیق پنهان شده باشد.»

ترامپ در تاریخ ۲۰۲۶/۵/۱ به رهبری مجلس نمایندگان و سنا در کنگره امریکا اطلاع داد که عملیات تهاجمی در ایران پایان یافته است؛ این در حالی بود که کنگره با فشارهایی تلاش می‌کرد او را وادار کند برای ادامه جنگی که وارد ماه سوم خود شده بود، درخواست مجوز رسمی ارائه کند. او همچنین تأکید کرد که بر اساس قانونی عمل کرده است که مطابق به آن، رئیس‌جمهور در صورت ادامه حضور نیروها بیش از ۶۰ روز، باید از قوه مقننه اجازه بگیرد.

زمانی که ایران پاسخی به او نداد و تا کنون نیز حاضر به ازسرگیری مذاکرات و رسیدن به توافق نشده است، او بار دیگر به تهدید روی آورد و در تاریخ ۲۰۲۶/۵/۹ از طرحی با نام «آزادی پلاس» خبر داد، بدون آن‌که جزئیات آن را توضیح دهد. با این حال، برخی مقام‌های امریکایی گفتند که این طرح شامل افزایش حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، تشدید محاصره دریایی بندرهای ایران و گسترش عملیات واکنشی در تنگه هرمز است.

گفته می‌شود نسخه قبلی «پروژه آزادی» به اعزام شمار محدودی از کشتی‌های جنگی برای اسکورت نفت‌کش‌های تجاری محدود بود، و در جریان آن حدود ۱۵ هزار سرباز و ۱۰۰ هواپیما نیز مستقر شده بود. اما این طرح تنها تا حدی موفق شد برخی کشتی‌ها را نجات دهد؛ زیرا با تهدیدهای ایران روبه‌رو شد و در بسیاری موارد ناکام ماند.

وبسایت امریکایی «آکسیوس» در تاریخ ۲۰۲۶/۵/۶ به نقل از یک منبع پاکستانی گزارش داد که امریکا و ایران در آستانه توافق بر سر یک یادداشت یک‌صفحه‌ای برای پایان دادن به جنگ قرار دارند. بر اساس این توافق، ایران متعهد می‌شود غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و در مقابل امریکا نیز تحریم‌های خود را لغو کند و میلیاردها دالر از دارایی‌های مسدودشده ایران آزاد شود. همچنین دو طرف محدودیت‌های مربوط به عبور و مرور در تنگه هرمز را کاهش خواهند داد.

این موضوع به این معناست که ترامپ عملاً ناچار به رسیدن به توافق با ایران شده است؛ زیرا بازگشت دوباره به جنگ نیاز به موافقت کنگره دارد و این موافقت نیز قطعی نیست. از سوی دیگر، ادامه جنگ هم نتیجه تضمین‌شده‌ای ندارد، و او پیش‌تر نیز آن را تجربه کرده و در آن ناکام مانده است. همچنین طرح او برای نجات کشتی‌های گرفتار در خلیج فارس زمان‌بر است، پرخطر است و موفقیت آن نیز قطعی نیست.

آنچه در رفتار ترامپ دیده می‌شود این است که او می‌خواهد در مدت کوتاه به یک «دست‌آورد سریع و سودآور» برسد و سیاست را مانند تجارت خود می‌سنجد. همین نگاه، در نهایت نقطه‌ضعف اصلی او به شمار می‌رود.

تغییر دادن شیوه‌ها در ذات خود چیز خوبی است، اما وقتی این تغییرها در فاصله‌های زمانی کوتاه و پشت‌سرهم انجام شود، امر پسندیده‌ای نیست؛ بلکه نشان‌دهنده سردرگمی است و این‌که بررسی واقعیت‌ها و پیامدهای کارها بدون دقت و عمق لازم صورت می‌گیرد.

در چنین حالتی، وضعیت شبیه کسی می‌شود که بدون هیچ برنامه و طرحی پیش می‌رود؛ یکبار می‌گوید این روش را امتحان کنیم، اگر نتیجه نداد سراغ روش دیگری برویم، و همین‌طور ادامه می‌دهد.

این نوع رفتار به تدریج باعث می‌شود اعتماد به کسانی که این روش‌ها را طراحی می‌کنند کاهش پیدا کند؛ چون روش‌ها باید بعد از بررسی عمیق و برای رسیدن به هدف مشخص ساخته شوند، نه به صورت شتاب‌زده و لحظه‌ای.

از این وضعیت چنین برداشت می‌شود که امریکا آن قدر که تصور می‌شود قدرت ترسناک و شکست‌ناپذیر نیست و امکان وارد کردن شکست به آن وجود دارد؛ و این امر به اذن الله سبحانه و تعالی در صورت برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت و در سایه یک رهبری سیاسی آگاه، صادق و دارای عزم و اراده قوی و فولادین، مانند رهبری حزب التحریر، ممکن خواهد بود.

در حالی که حکام پاکستان که نه قدر و ارزش سرزمین خود را آن گونه که باید می‌دانند و نه به ظرفیت‌هایش توجه دارند و سرزمین‌شان را بی‌نیاز از امریکا نمی‌بینند در واقع در تلاش‌اند آن را از بن‌بست فعلی بیرون کنند، اما در عمل نقش میانجی و پیام‌رسان را بازی می‌کنند؛ و با اشتیاق و شتاب در خدمت ارباب خود ترامپ قرار گرفته‌اند تا او را از بن‌بستش نجات دهند و زمینه اجرای برنامه‌هایش در منطقه را فراهم سازند. این در حالی است که می‌توانستند مسیر دیگری را انتخاب کنند؛ یعنی در برابر امریکا موضع بگیرند، وابستگی به آن را کنار بگذارند، برای وحدت مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی کار کنند و قدرت را به حزب التحریر بسپارند تا به امریکا همان چیزی را نشان دهد که خلیفه عمر رضی الله عنه در فارس و روم نشان داد.

برگرفته از مجله الرأیه

مترجم: حسین سلحشور